

160

تایپستر

MahdiTz

مترجم

Adri

کلینر

Arghavan

ما را دنبال کنید در...

Website:

GERDU80.Click

Telegram:

GERDU80

Instagram:

GERDU80_OFFICIAL

DR. STONE





چپتر ۱۴: وارث علم



صدای
تیراندازی؟

نه!

گلوله‌ها
سریع‌تر از
صدا حرکت
می‌کنن!

داره
به سمت
ما می‌آید.



آه... ..

سنگ‌ووو!!



خورد
به هدف!

دیگه
تمومه.





نه نه نه!

سنگو...و...

اونا
سنگو رو
کشتن!!



خونسردی تون
رو
حفظ کنین!

BAM



الان دشمن
فکر می کنه
"با رفتن
رهبر علمی شون،
سنگو ..."

"... اون بچه ها
دیگه امیدی
نخارن که بتونن
تو جنگ با ما
برابری کنن."

"... تا وقتی
که تسلیم
بشن."

BA

BAM

GERDUSO



آره،
راست
میگی...

... چجوری
می تونیم
بی خیال
سنکو بشیم..؟

شاید
یه فرصت
برای
ما باشه،
ولی...



قتل،
باید...

... یه قتل
براش
بکنیم.



حالا
که دشمن
بیش از حد
به خودش
مطمئنه...

... نوبت
مائه که
تلافی کنیم!
درست نمی گم؟!



هاها!
فعلا دفنش
نکن!



هه هه هه...

من هنوز
نمردم، احمقا.

ترکش ها
از من رد شدن،
بیاین زخم هامو
بیندین.

GERDU80



منو
ببخشین
سرورم!

ایول!
اون زند-

بلند
داد بزنی،
دشمن صدات
رو می شنوه،
احمق.



پانسمان تون
می کنم ارباب
سنکو.

عاهه! خودتو
میپور نکن
حرف بزنی!
باید استراحت
کنی!!



او هو هو!
خیلی جالبه!



با یه
گوونی و
یکم آب؟!

پس این
سرعت گلوله رو
کم کرد؟

ترجمه: «سینم رو هدف گرفتن...»



ارباب سنکو
گفتن که
"aim for the
chest ..."
حالا به انگلیسی
میشه...

"A headshot
would have
resulted in
instant death."

زرتی
ترجمه ش
کردی!
(پوونه!!)



مگه نگفتم
بهت حرف
نزن؟!

...پس احتمالا
میخواستن
دم مرگ به فرصتی
بهم بدن تا
(ازش رو افشا)
کنم.

از کجا
می دونستن
سینم رو
هدف
می گیرن.

تنها چیزی
که می دونستن
این بود که
فقط من طرز
تهیه مایع
احیا کننده رو
بلدم...

اگه مستقیم
به سره
شلیک می کرد
ده میلیاردر صد
فورا می مردم.

ترجمه:
یه شلیک
مستقیم
به سر باعث
مرگ فوری
می شد.



چجوری
تونسته
تو همچین
شرایطی...

حیرت آورده.

... خونسردی
خودش رو
حفظ کنه و
واکنش
نشون بده...

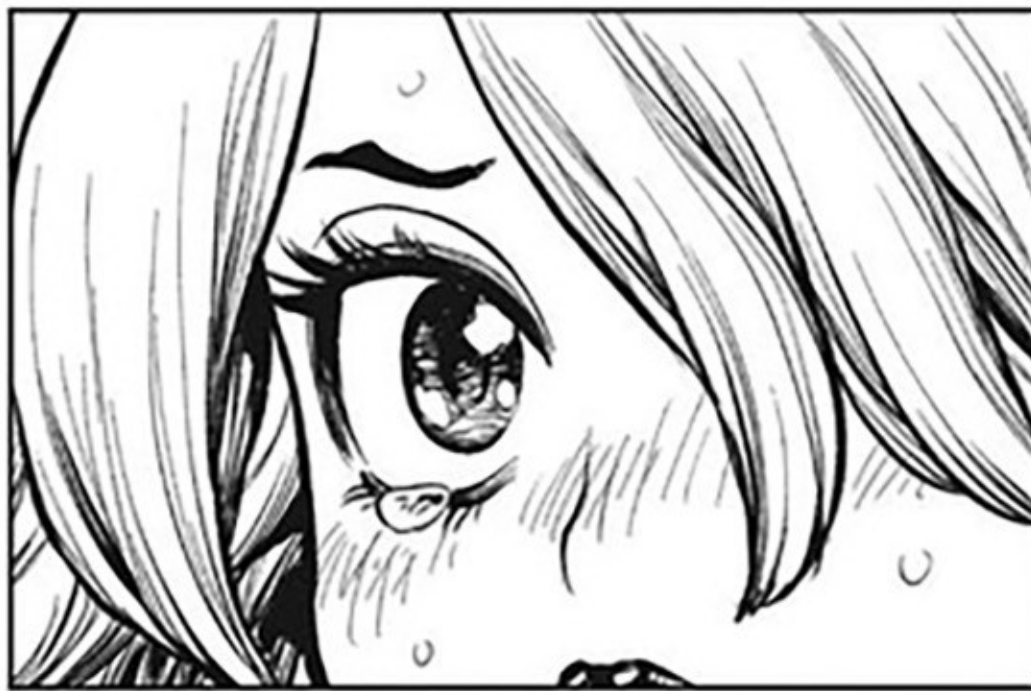


آخ

آههه!
از حال
رفت!
اوضاع
زخمهایش
خیلی وخیمه
!!

اما ...
به هر حال
به یه متخصص
پزشکی که
آموزش دیده
نیازه...

کمک های
اولیه رو
انجام دادم...



هوم...

خیلی کم
یه چیزایی
یادمه، ولی...





این یکی از
روشن‌هاییه که
یاد گرفتیم...

فشار خون
در حال
کاهشه...

اگه با یه فشار کم
نبض متوقف
شد، یعنی...

فشار خون
پایینه.

ولی اگه باید ممتد فشار
بدید تا نبض
متوقف بشه،
یعنی که...

فشار خون
بالاس.



به این صورت
بازو رو فشار
بدین تا...

... نبض
مع دست
متوقف بشه.



لونا،
تو...

یه...
دکتری؟!

کی، من؟
نه بابا!

خیلی
سرم کمه!!



گرفتیم!



ولی در واقع
با پارتنری بازی
پدرم وارد
دانشگاه شدم.

سر کلاس هم
خیلی تلاش
کردم تا کسی
بهم تیکه
ندازه!!

اون قدرها
هم چیزی
نمی‌فهمیدم
...

و تنها
کسی بودم که
افتادم و مجبور
شدم دوباره
یه سال رو
بخونم.



یه دختر
کاربلد
می‌شم و ...

... یه
دوست پسر
باهوش پیدا
می‌کنم!



من
فقط...

... یه
دانشجوی
...

پزشکی‌ام.



تو رو
خدا.

لطفاً.
لونا.

ما هیچکس
دیگه ای
رو نداریم.

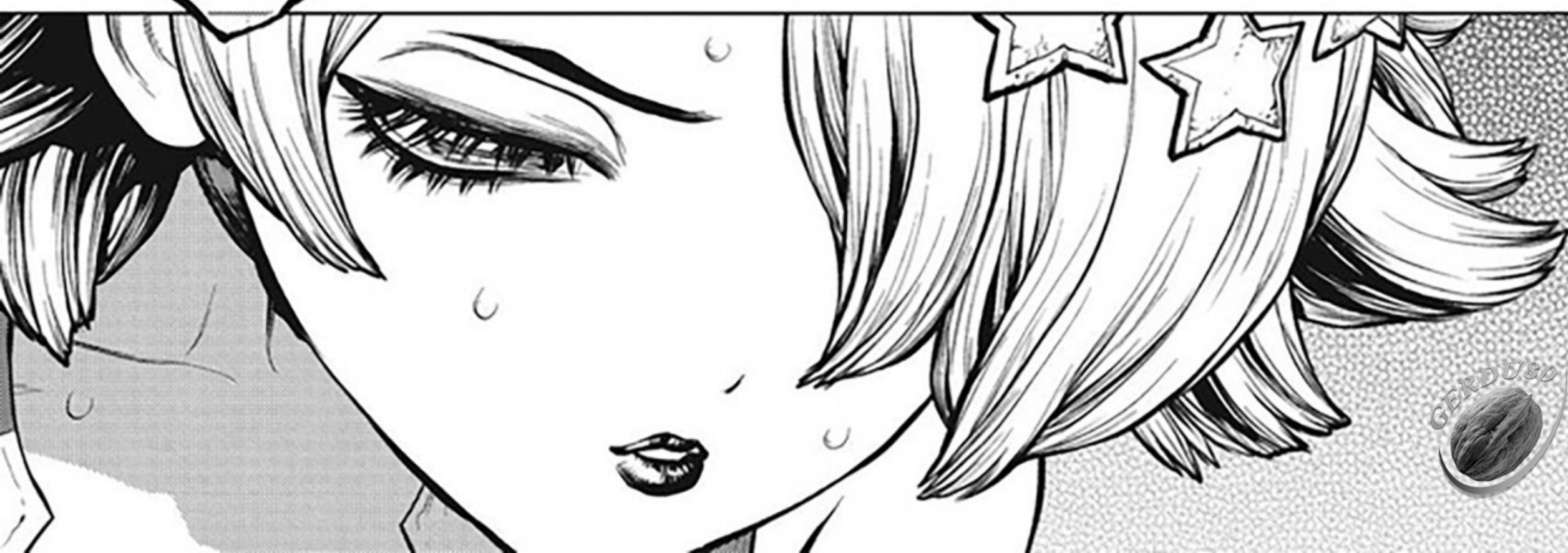


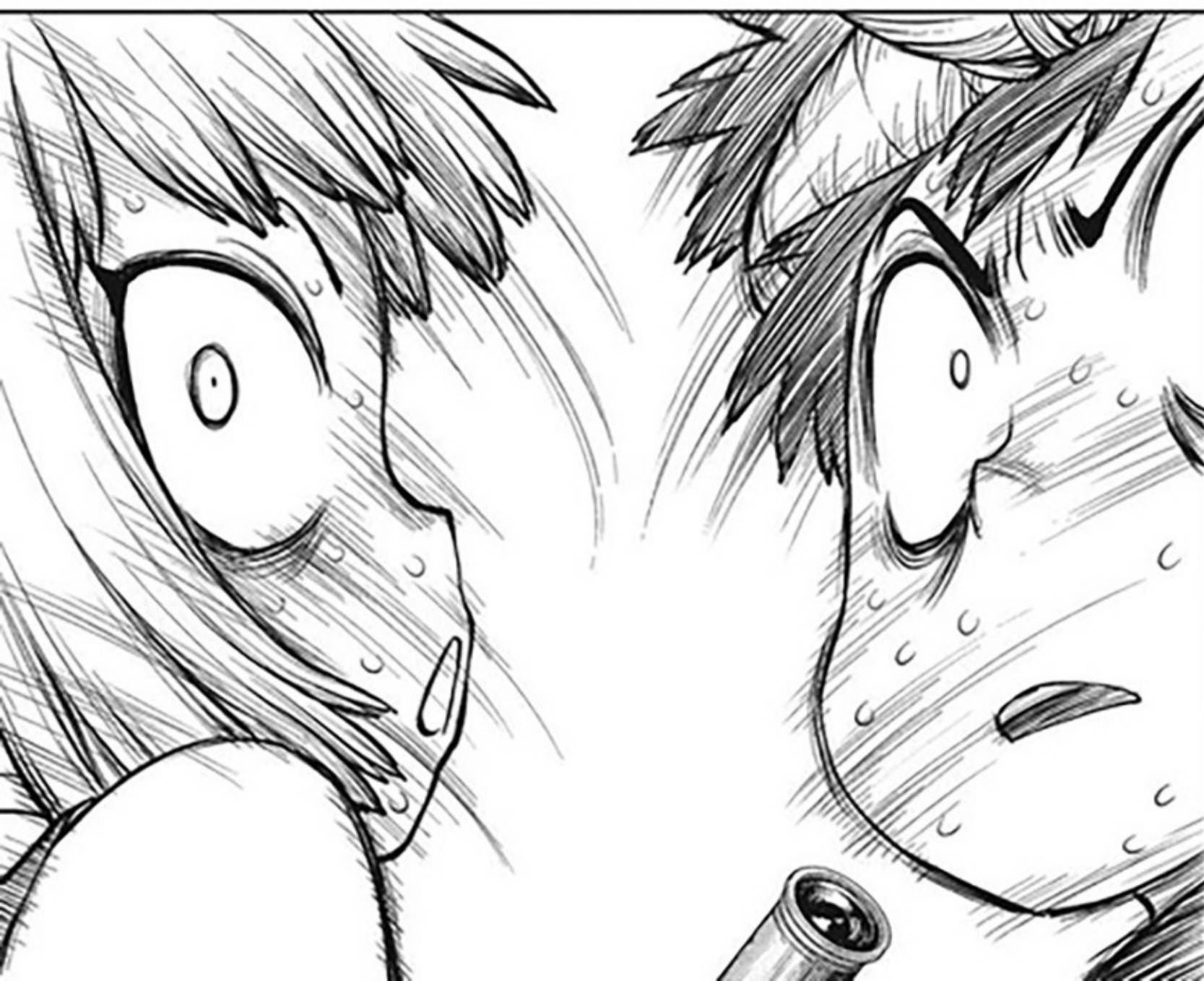
سنکو...

رفیق ما
سنکو...

... تو باید

... نجاتش
بدی!!









تا صحبت
ازشون شد...

از...
پرسشوس
زنگ زدن.

33...

32

43



این عددای
عجیب غریب
دیگه چیه؟

ریوسویی
داره انگولک
می کنه؟

این
حروف رمزی
یوسوگیه.

??



خیلییی
خفته!

به نظر
میداد...

... کلی
کار
داره!

باید
از سنکو
بپرسیم...

... برای حفاری،
چه آیت‌های
علمی‌ای نیازه.

ایول!



هر جفت اعداد
به یک جزء از
الفبای ژاپنی
اشاره می‌کنه.

سیستم
رمزی
کنشین
یوسوگی...
... به مفهوم
فوق العاده
ساده داره.



اما بعید بدونم
یه آدم غیر ژاپنی
مجموعه اشعار
ایروهارو بدونه.

این دکتر زنو
ممکنه
یه چیزای
بلد باشه...



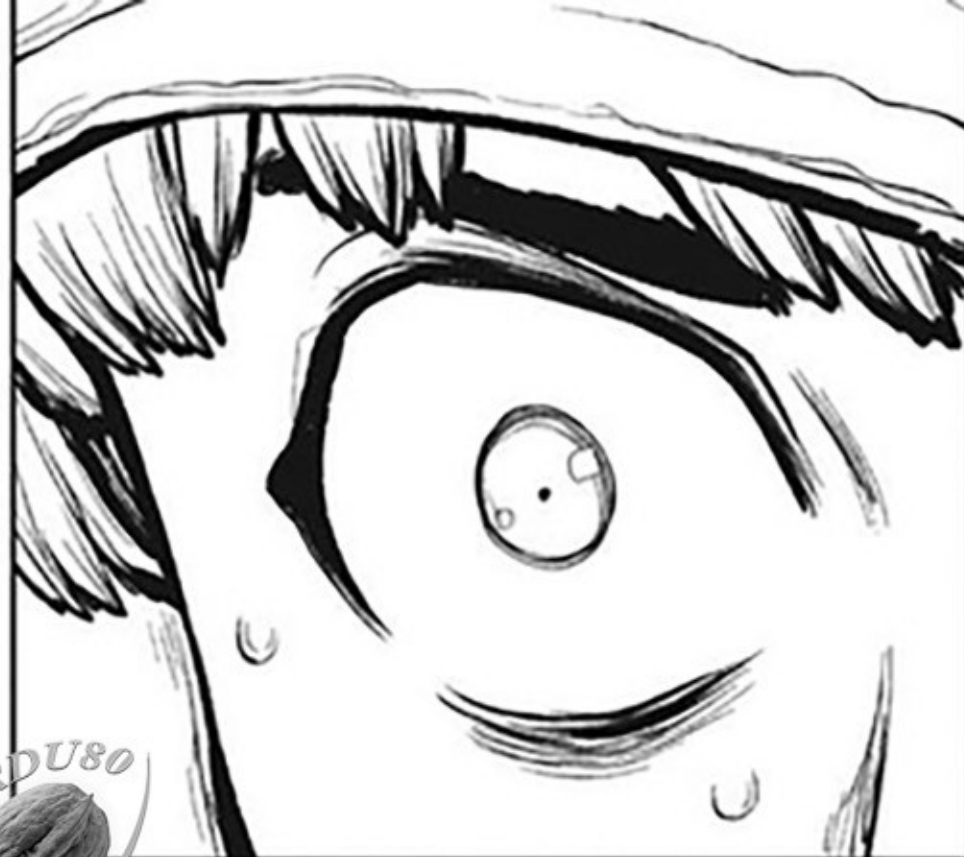
یه
تونل
زیرزمینه...
... می‌کنیم...

یه
فرار معکوس
به نظیر!

که مستقیم
به سمت
قلب دشمن
میره!!

IRIRIR

RNN BL



ساده‌ست ولی مؤثره،
مگه نه؟ با این حال
باید پیام‌هامون رو
کوتاه نگه داریم،
در غیر این صورت
محتوای کافی برای
شکستن کد رو
به اونا می‌دیم.

ها ها ها...
نسبت به
چیزی که
دشمن می‌فرسته،
این یه
کد آنالوگه.



* عددهای 32-33 کد حروف utare هستن که در ژاپنی به معنی شلیک کردنه.



”ک - رو - م -
کروم.”



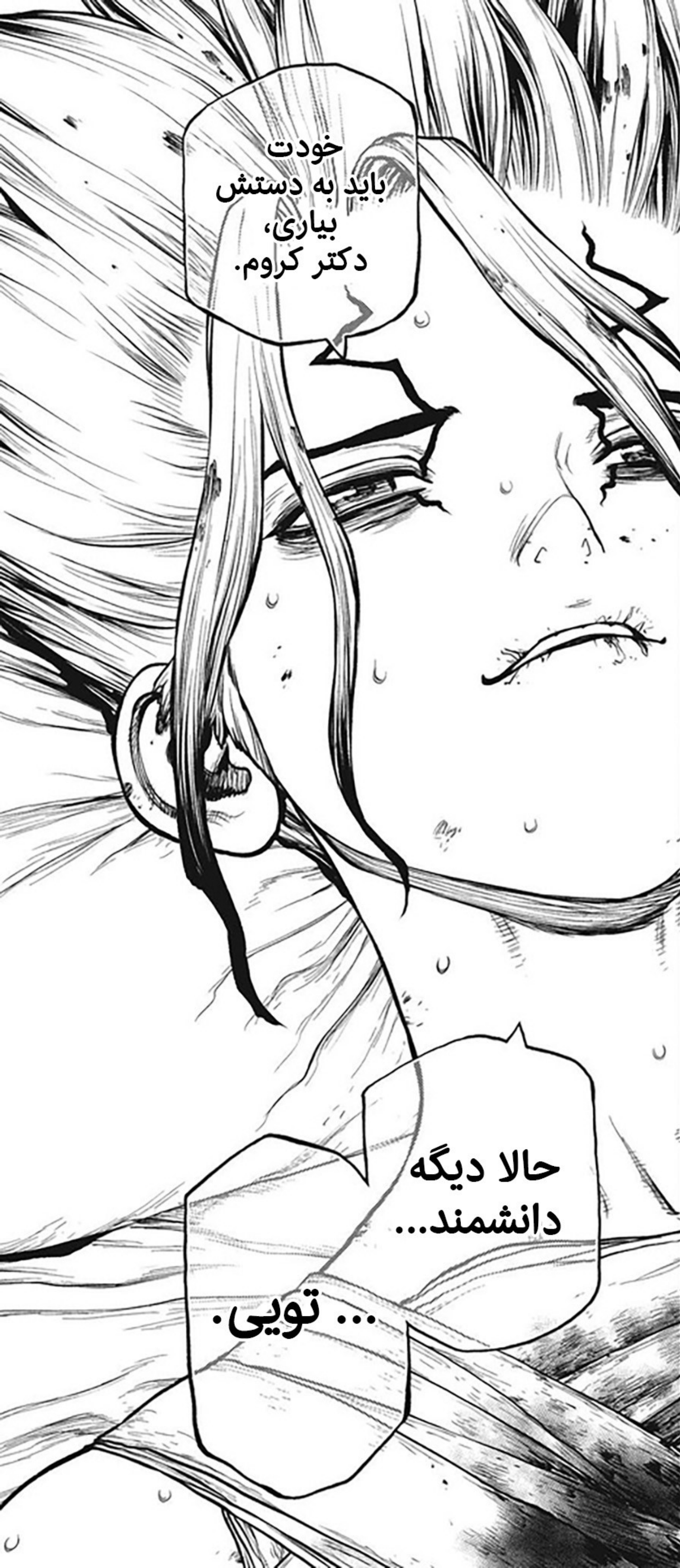
من
دیگه جادوگر
نیستم.

دفعه بعدی
چی می‌خوایم
با کمک علم
بسازیم!!!



این
گل‌سپته!





خودت
باید به دستش
بیاری،
دکتر کروم.

حالا دیگه
دانشمند...

...تویی.

هر موقع
بشریت تو یه
موقعیت
دیوانه‌واری
گیر کنه...

... مطمئنا
ده میلیارد درصد
سرو کله
دانشمندا هم
پیدا میشه.



همیشه
آدمای حریصی
هستن که می‌خوان
تمام جزئیات
در مورد دنیا رو
بدون.





1 بویچی

مانگا، ناول‌های گرافیکی، کمیک، کارتون...

همه‌ی ما کنار هم به خانواده‌ی بزرگیم.
جدا از تفاوت‌های جزئی‌ای که دارن،
همه‌شون چیزهایی هستن که به اشتراک می‌ذاریم.
درواقع چیزایی که باید به اشتراک بذاریم.

ولی با این وجود، به‌نظر من تلاش زیادی
برای تفکیک‌سازی این شاخه‌ها شده.
بهتر نیست وقتی که صرف این کار می‌کنیم رو
رو به چیز بهتر بذاریم؟

باید در کنار هم باشیم تا بتونیم از هر چیزی که
از دنیای هنرهای کمیک بیرون میاد لذت ببریم
و به‌نظرم این صنعت نیاز به چیزی داره که
بتونه همه رو تحت پوشش خودش بگیره.
کلمه‌ای که بتونه کارهای همه‌مون رو وصف کنه.
به شخصه، خودم از کلمه‌ی «تون» "toon"
استفاده می‌کنم.

البته هر کس آزاده هر کلمه یا هر چیز دیگه‌ای
که دوست داره انتخاب کنه.

اون کلمه سندی بر اتحاد همه‌ی ماست و ما رو
به سمت آینده هدایت می‌کنه.

این تفکرات رو وقتی که به ردپای کفش راحتی‌هام
خیره شدم به ذهنم رسید.
تقریباً نصف روز زمان برد تا به همچین
نتیجه‌ای رسیدم.



2 ریچيرو ايناگاکي

این دوتا صندل رو از بویچی سنسه
هدیه گرفتم!

وقتی باهاشون قدم می‌زنم،
ردپایی که از خودشون به جا می‌ذارن
شبیه رد پای اولین انسانیه که
پاش رو روی ماه گذاش.

ممنونم!

و چیزی که روی صندل‌ها نوشته،
دیالوگیه که اون موقع گفته شد.
(یک قدم کوچک) (یک جهش بزرگ)

کار کردن روی یه مانگای هفتگی
خیلی سخته، ولی در نهایت همه‌ی
این قدم‌های کوچیک تبدیل به یک
جهش بزرگ می‌شن.

حال کردین چه خوب همه چیز رو
به هم ربط دادم، نه؟



بویچی یک آرتیست زاده‌ی کره‌ست
که در ژاپن کار می‌کنه.

از کارهای قبلی ایشون می‌شه
به Sun-Ken Rock و
Terra Formars Asimov اشاره کرد.

ریچيرو ايناگاکي یک نویسنده‌ی مانگای ژاپنی
از توکیوئه. اون همچنین نویسنده‌ی
مانگای ورزشی Eyeshield 21 هست
که در مجله‌ی Weekly Shounen Jump
منتشر شده.